

شوک های درون نظام امپریالیستی و وظایف کمونیست‌های انقلابی

دگرگونی‌های نظام امپریالیستی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور چین، جنگ‌های بالکان، سپس در عراق، لی بی، سوریه و بعضاً نسل‌کشی مانند آنچه که در رواندا اتفاق افتاد، بحران‌های بزرگ اقتصادی جهان که تقریباً هر ده سال یکبار اتفاق می‌افتد، سپس همه‌گیری بیماری‌های مسری و پیامدهای آن، نیاز سازماندهی مجدد و عمیق ساختارهای اقتصادی سرم‌ایه داری و شکل بندی مجدد طبقات اجتماعی و روابط مابین قدرت‌های امپریالیستی را در مقیاس بین‌المللی آشکار می‌سازد.

واکنش‌ها، قیام‌ها و گاهی شورش‌ها، بخش‌های قابل توجهی از پرولتاریا و بخش‌هایی از جنبش‌های مردمی را بسیج کرده است، حتی اگر - از جمله در جریان بهار عربی - این اعتراض‌ها که حکومت‌های غیرنظامی و همچنین دیکتاتورهای نظامی را سرنگون کرده اند، نتوانستند به قدرتی در مقابل قدرت مرکزی تبدیل شوند.

تمامی عوامل عینی بی‌ثباتی نظام می‌توانند همگرا شده و به انقلاب‌های واقعی اجتماعی منجر شوند. اما آنچه که ناگزیر است، تقویت عامل «ذهنی» است که ایجاد رهبری احزاب انقلابی که قادر به درک، پیوند و مداخله در این رقابت‌های سیاسی و اجتماعی باشند و با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها و جهت دهی به شورش‌ها در انقلاب‌های اجتماعی مداخله کند تا نه تنها به حکومت یک دیکتاتور و یا یک رژیم دیکتاتوری سرمایه‌پایان دهد بلکه وضعیتی را پدید آورد که منجر به ایجاد حکومت کارگران شود.

افزایش روحیه مبارز طبقه کارگر در حال حاضر به تأخیر از فروپاشی اجتماعی شرایط مادی پرولتاریا و گاه به تاخی تخریب غیر قابل بازگشت اکوسیستم می‌انجامد.

باز سازماندهی خونین سرمایه داری و امپریالیسم، که از جمله تهاجم امپریالیستی روسیه به اوکراین یکی از مظاهر آن است، امکان دور جدیدی از رویارویی مستقیم بین قدرت‌های بزرگ امپریالیستی از جمله میان ایالات متحده و رقیبش چین را می‌یگشاید.

از دید ما، بر رسی تمامی این احتمالات به این کنفرانس اهمیتی خاص می‌بخشد: در زمانی که صدای چکمه‌ها بیش از پیش به گوش می‌رسد و بودجه‌های نظامی به طور نامتناسبی افزایش می‌یابد، نیروهای انترناسیونالیستی که با این سیاست‌های نظامی و درگیری‌های ناشی از سیاست امپریالیستی مخالف هستند، در زمانی که شورش‌های طبقاتی مردمی در سراسر جهان در حال وقوع است، مهم است که گروه‌های انقلابی و انترناسیونالیست، علی‌رغم ضعف نیروهای خود، به دنبال راه‌هایی برای مداخله مستقل طبقه کارگر باشند.

اردوگاه یا طبقه : یک انتخاب سخت اما فقط یک پیش شرط

نکوهش تجاوز روسیه، تقاضای خروج نیروهایش، با به رسمیت شناختن اوکراین در حق تعیین سرنوشتش، پیش نیاز تعیین موقعیت طبقات در این جنگ است. اما آنها برای تصور وضعیت آینده طبقات کافی نیستند. تقبیح مانورهای آمریکا، تشدید حمایت مالی و نظامی غرب از رژیم زلنسکی، حضور فزاینده نیروهای ناتو، نظامی کردن بودجه‌های ملی، مخالفت ما با تبلیغات مخالفان اردوگاه به اصطلاح «دموکراتیک» بر علیه دیکتاتور دیگر بخشی از محورهای لازم برای ترسیم یک اردوگاه پرولتاری است که با هیچ یک از اردوگاه‌های امپریالیستی موجود همسو نیست. با این حال، فراتر از این است که باید توجه خود را بدان معطوف کنیم. یک سیاست طبقاتی مستقل که در مقیاس بین‌المللی قابل درک باشد، قطعاً امروز حتی در کشورهای مربوط

به ما نیز کافی نیست، اما تنها راه است. زیرا بهترین راه برای پایان دادن به جنگ بسیج طبقه کارگر برای سرنگونی استثمارگران آن در روسیه، اوکراین و در سطح بین‌المللی است.

این اظهارات - و بحث‌هایی که بین ما انجام می‌شود - هنوز برنامه‌ای برای دنیای کار و جوانان نیست، اما می‌تواند به پیریزی پایه‌های یک سازماندهی مجدد در برابرین وضعیت جنگی و گسترش‌های احتمالی آن کمک کند. در آنجا نیز باید توجه داشت که ابتکارات بین‌المللی کمونیست‌های انقلابی، بیش از یک سال پس از شروع جنگ در اوکراین، در مرحله پیش‌نویس قرار دارد.

بازسازی انترناسیونالیسم

دشواری درک دقیق واکنش‌های اجتماعی و سیاسی کارگران اوکراین و روسیه موقتاً ما را از داشتن یک سیاست دقیق باز می‌دارد، چه رسد به یک مداخله.

این امر بر عدم هماهنگی جنبش‌های انقلابی، حتی در حد تبادل افکار تأکید می‌کند، و نه حتی به همکاری و تجزیه و تحلیل‌های مشترک. و با این حال، باید تأکید کرد که در این زمینه است که ما می‌توانیم گام‌های ملموس و مفیدی برای طبقه خود برداریم، نه تنها با کار کردن بر روی تضادهای یک موقعیت مشخص بلکه برای ایجاد شرایط و فرصت‌ها.

بیداری اجتماعی که با تحرکات قابل توجهی تا حدودی در اروپا - در بریتانیا، فرانسه و حتی در آلمان - مشاهده می‌شود، ناشی از رقابت‌های امپریالیستی، تورم، محدودیت در سیاست‌های مربوط به خدمات عمومی است. این شرایط تجربه‌های اجتماع

ی بی‌سابقه‌ای را به‌وجود آورده است که می‌توانست سیاست مشترک گروه‌های انقلابی را ممکن کند، پدیده‌ای که شاید در همه شرایط امکان پذیر نباشد. در آمریکای لاتین، به‌ویژه در آرژانتین، با اقلیت‌های انقلابی قابل‌توجه و در یک وضعیت فروپاشی اقتصادی احتمالی، می‌توان مداخله سیاسی طبقه کارگر را در مقیاس بزرگ تصور و امکان پذیر دانست.

جنبش‌های زیرزمینی در چین و نقاط دیگر بر دشواری‌ها و همچنین بر برخی توانایی‌ها تأکید می‌کند. اما این مبارزات ضرورتاً کافی نخواهد بود، همه ما بر این متقاعد شده‌ایم: که جنبش‌های خودجوش، هر چند عمیق و عظیم باشند، به وضوح این حقیقت را بیان می‌کنند که نمی‌توانند برای تحقق یک انقلاب عمیق اجتماعی، بدون دخالت سازمان‌های سیاسی تحت رهبری ارگان‌های قدرت طبقه کارگر، منجر به دگرگونی‌های انقلابی جامعه شوند. در غیر این صورت انقلاب در چهار چوب قلمرو نهادهای بورژوازی باقی می‌ماند.

البته سازمان‌های انقلابی در موقعیتی قرار ندارند که چنین سیاستی را پیشنهاد کنند، حتی در جایی که جنبش خودجوش مانند ایران بسیار پیش رفته است.

اما این دلیلی برای تسلیم شدن نیست و این همان چیزی است که تبادل تجربیات را ضروری می‌کند، بحث و گفتگو بین همه گروه‌ها دور یک میز، بدون هیچ‌گونه ادعای هژمونیک، صرفاً به این دلیل که ترسیم یک خط مشی عاقلانه و اجرای آن مستلزم یک شناخت عمیق جهانی و دقیق است. آگاهی از وضعیتی که هیچ گروه یا گروه بین‌المللی به تنهایی ندارد.

خطرات تعمیم جنگ اخیر در اوکراین و راه‌های مداخله طبقه کارگر، به موضوع این کنفرانس امکان موفقیت می‌بخشد. دگرگونی‌های عمیق بازار جهانی، نظام تولید، طبقات، جریان محاجرت و جا به جایی نیروی کار، توازن قوا بین قدرت‌های امپریالیستی، افول برخی و ظهور قدرت‌های جدید موجب ارزیابی‌هایی می‌شود که اغلب بین ما متفاوت است - از این رو نیاز و حتی ضرورت بحث در مورد آنها احساس می‌شود.

ثانیاً برای ما مهم است که به این مسئله بپردازیم که گام‌های اول به سوی چارچوبی مشترک برای تبادل اطلاعات، تجارب مبارزاتی، شرایط ایجاد پیوندهای اعتماد و ضروری برای ساختن فردای جدید و انترناسیونالیستی از همین جا شروع می‌شود.

انقلابیون را دوباره متحد کنیم

با ظهور یک پرولتاریای بزرگ و پر جمعیت در چین، در هند و در کشورهای به اصطلاح نوظهور، طبقه کارگر هرگز در جهان به این اندازه مهم نبوده است.

شکلهای دموکراسی بورژوازی همچون نیاز به یک مجلس موسسان، هنگامی که یک جنبش اجتماعی عمیق لزوم مداخله مستقیم طبقه کارگر را در دستور کار قرار می‌دهد، دیگر نباید به صورت مکانیکی به عنوان یک «راه حل سیاسی» مطرح شود. مسئله جبهه متحد کارگران - که از ساده‌ترین اشکال اتحادیه‌های کارگری تا تشکل‌های اصلاح طلب در حال افول را در بر می‌گیرد - قطعاً باید مورد بحث و تبادل نظر باشد.

علاوه بر آن، مطالعه شرایطی را که می‌توانند آینده انقلاب کارگری را در مبارزات آزادی بخش و ملی بر علیه اشغالگران رقم می‌زنند را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

همه اینها باید بخشی از بحث‌های بین ما باشد، اما مهم این است که چهارچوبی را تدوین کنیم که به ما اجازه دهد که در آن به نتایج دقیقی برسیم که بدون فراموش کردن هیچ موردی، به نتایج دقیقی برسیم که اکثریت کشورها را در بر گیرد.

ایجاد روابط نزدیک میان فعالان جنبش، تبادلات فکری مشخص و ملموس، کار بر روی اعتماد متقابل میان گروه‌های گاه "رقیب" در سطح ملی، چالش‌های مهمی را در پیش روی ما قرار می‌دهد.

بدون انکار تفاوت‌هایمان، واگرایی‌هایمان، بلکه

با قبول آن‌ها، می‌توانیم در مقابل کارگران آگاه بحث‌هایمان، پروژه‌های مشترک و یا جدا جدای خود را مسئولانه مطرح کنیم.

به راه اندازی یک کمپین علیه میلیتاریسم امپریالیستی، که فقط تبلیغاتی نباشد، کار دشواری است. با این حال جنبه فوری دارد. می‌توانیم کنفرانس‌های سالانه‌ای را در نظر بگیریم، که در آن تجربیات مبارزاتی خود را (پیروزی‌های کوچک و همچنین شکست‌هایمان) را با یکدیگر مبادله کنیم، که در طی آن آنچه را که گفته‌ایم در معرض انتقاد رفقای خود قرار دهیم، تا کم‌کم

بتوانیم با تجاربی که مورد آزمایش قرار گرفته‌اند با هم همکاری کنیم.

یک چشم انداز کوچک در حالی که زمان کوتاهی در پیش داریم، به خودی خود می‌تواند جهشی بزرگ به جلو باشد.